

محل اداره : دهیاریه وسط‌آباد
عجالتاً هفته‌ای یک‌نمره طبع می‌شود
 قیمت (پس از رفع تحریم): رایگان
 محل توزیع : سر خرم
 عجالتاً ۳۰۰ تومان بانضمام روزنامه جوان

دبیر صفحه: مسعود دانشی‌منش

سال ۱۳۹۵ هم به پایان رسید و «تقریباً هیچ» چیز از آن نمانده است. معمولاً در این ایام رسانه‌ها اقدام می‌کنند به معرفی چهره‌های برتر سال؛ بعضی جاها هم لوح و تندیس‌های جور و جور می‌دهند. ما هم به خاطر اینکه کم‌نیاوریم، تصمیم گرفتیم چهره‌های برترمان را معرفی و به آن‌ها تندیس اهدا کنیم. آن هم نه یکی دو تندیس، بلکه به ازای هر سین از سفره هفت‌سین یک تندیس به یک نفر می‌دهیم، حتی سین‌های ذخیره(!) را هم از یاد نبرده‌ایم. همین است که سفره‌مان خیلی بیشتر از هفت تا سین دارد! بله دیگه، عید شده و این دست و دلبازی‌ها از ما بعید نیست! بالاخره «کدخدا» بی‌گفتند، هفت پارچه آبادی روی اسم ما قسم می‌خورند. کسی که بیاید در خانه ما را بزنند بی‌نصیب نمی‌گذاریم!

بفرمایید! این شما و این برندگان تندیس‌های کدخدا



سیب
 تندیس سیب ۹۵ اهدا می‌شود به دکتر محمدجواد ظریف، همان کسی که آن صورت خندانش ما را یاد سیب می‌اندازد! البته امیدواریم دندان‌های دکتر، حسایی سفید باشد وگرنه تصویر سیب مدنظرمان خراب می‌شود! در مجموع برای ایشان که درگیر مشکل کمردرد، نیز بودند آرزوی سلامتی داریم و این تندیس سیب که نشان سلامتی است به دردشان می‌خورد. اگر از ما بپرسند که سیب تندیس‌مان چه رنگی است، سرخ را ترجیح می‌دهیم؛ چون اولاً توی سفره هفت‌سین خوشگل‌تر می‌شود، ثانیاً با حال و روز این اواخر دکتر ظریف بیشتر جور است. آن جایی که از خجالت افسایی قول و قرار بر باد رفته‌اش با «اون بابا» مدتی کمپاب شده بود!



سکه

تندیس سکه ۹۵ اهدا می‌شود به جناب آقای ولی‌الله سیف به نمایندگی از سیستم بانکی کشور که در این سال و همه سال‌کار و بارشان سکه بود و هست و خواهد بود! آخ طبعی هم هست، مادامی که وام‌گیر و سپرده‌گذار و سودپدازی وجود دارد که بارحمایت از تولید ملی را از دوش بانک‌ها بردارد، کاسبی بانک‌ها سکه می‌ماند و باران سکه طلا در تبلیغاتشان کماکان می‌بارد!

سکه شانس، امسال چرخید و چرخید و طرف شیرش دست سیف افتاد، جایی که نرخ ارز، یک شبه دارایی دولت را یک عالمه بالا برد و با یک «تسعیر» به‌موقع کل بدهی دولت به بانک مرکزی صاف شد! به‌خاطر همین، بانکی‌ها ترجیح می‌دهند به جای سکه، سر سفره هفت‌سین «دلار» بگذارند! ولی آن وقت دیگر به جای هفت‌سین باید دنبال هفت دال باشیم!

سماق

تندیس سماق سال ۹۵ اهدا می‌شود به «پرونده فیش‌های نجومی» که نزدیک یک سال است سماق می‌مکد! هنوز هم معلوم نشده این همه سماق مکیدن چه نتیجه‌ای در بر داشت، گویا سماق‌ها مزه کرده است! دیوان محاسبات به تاژی نتایج اقداماتش را اعلام کرد: کارشناسان ما پس از ماه‌ها مکیدن انواع سماق، به این نتیجه رسیدند که کل تخلفات شامل یک پرس چلوکیاب کوبیده با ماست و ربچان می‌شده که آن را هم قول داده‌اند در اولین فرصت بگردانند.

در حال حاضر ما در حال سرخ کردن ذغال‌ها هستیم و منتظریم سیخ برسد. هیئت دولت هم که مأمور رسیدگی به این پرونده شده بود، اعلام کرد قاطعانه برخورد می‌کند و در همین راستا تمامی اسناد و مدارک به کمیته «ولش کن» ارجاع شده است. سایر نهادی نظارتی هم فعلاً در مرحله تست سماق هستند اما اعلام کرده‌اند اگر دولت کوتاهی‌کنند ورود می‌کنیم و تمام سماق‌ها را از نو می‌مکیم.

پشت دستی دوفوریتی به بچه یعنی امنیت عیددیدنی!

چه کسی تخم‌مرغ‌ها را رنگ کرد؟

اما سفره عید به جز هفت‌سین اجزای دیگری هم دارد. حیف است حالا که دست به تندیس شده‌ایم و روی دور افتاده‌ایم، از بقیه اجزا بگذریم. پس با تقدیم تندیس سایر اجزای سفره عید ادامه می‌دهیم...

تخم‌مرغ رنگی
 تندیس تخم‌مرغ رنگی سال اهدا می‌شود به «شواری سیاستگذاری اصلاحات» به پاس یک سال (بلک‌کم بیشتر) تلاؤن و تغییرموضع ازحمایت ازروحانی گرفته تا معرفی ضربه‌گیر و کیسه بوبس؛ یا هر حال در سبب اصلاح‌طلبان تخم‌مرغ‌های رنگی فشنکی پیدا می‌شود اما خودشان هنوز تصمیم نگرفته‌اند چه رنگی باشند. شاید هم تصمیم گرفته‌اند و دارند ما را رنگ می‌کنند!

میوه عید
 میوه سال ۹۵، بی‌برو برگرد، سیب و گلابی بود! ولی طبق آخرین اخبار واصله، هنوز به ثمر نرسفته است. از طرفی پرتقال هم امسال سرمازده شده و شب عیدی به جای اینکه شب عالی مردم پرتقالی باشد، چیپ‌شان خالی شده. خلاصه بازار میوه حسایی به هم ریخته است و با وجود لاله زن بچه‌ها که آمده‌اند در باغ و می‌گویند ما سیب و گلابی می‌خواهیم، در حال حاضر میوه در دسترس نیست. با این همه ما تندیس میوه عید سال ۹۵ را تقدیم می‌کنیم به آقای عراقچی ورفیقش استاد تخت‌روانچی. همینجوری واسه هیچی.

شیرینی
 تندیس شیرینی و خودشیرینی سال ۹۵ می‌رسد به شیرین‌ترین رئیس مجلس تاریخ، جناب آقای دکتر علیراجایی به خاطر همه شیرین‌کاری‌هایشان در مجلس و هم و ایضاً نهم گذشته از مطایبات شیرین و بانمک‌شان که انصافاً وسط آن همه داد و هوار مجلس، مرهمی است بر گوش شنوندگان، مجلس ایشان در روزهای پایانی سال اخیر دو تا شیرین‌کاری بی‌سابقه کرد و دو بار صوبه خود را پس گرفت! من فکر می‌کنم اگر از مسئولان رده بالای دولت هم پرسیم حرف ما تا تأیید کنند و برای بیان احساساتشان نسبت به دکتر لاریجانی بگویند: تو خودت قند و نباتی!



کدخدا

روزنامه‌ی اخبار ولایات محروسه وسط‌آباد

نمره سی و چهارم / دو روز مانده به نوروز ۹۶

سیر
 تندیس سیرترین سیر سال ۹۵ اهدا می‌شود به ذخیره کشور و امانتدار آقای نوبخت! همان کسی که بوی تند فیش نجومی‌اش خیلی‌ها را آزار داد و نزدیکانش را به واکنش واداشت. اما اوالحق والانصاف شایسته تقدیر و تندیس «سیر» است؛ چون از هر سیری سیرتر است! کارشناسان ایشان را از شکم‌سیرترین شخصیت‌های روزگار می‌دانند. اما آنچه ما را مصمم کرد تندیس بالرشمان را تقدیمش کنیم، خبر ریاستشان در یک سمت «صندوق‌دار» دیگر بود. ایشان به عنوان رئیس هیئت مدیره صندوق محیط زیست علاقه‌مندانشان را امیدوار کردند که یک نیم‌کشتانی دیگر در آنجا تشکیل شود اما متأسفانه اعلام شد به نیمکت ذخیره‌ها بازمی‌گردند و دوره بعد در صندوق نخواهند بود. گویا از این صندوق هم سیر شده‌اند!

سنبل
 خیلی‌ها این را «سنبل» می‌خوانند ولی ما آن را «سمبل» می‌دانیم. به همین دلیل می‌خواهیم آن را تقدیم کنیم به سمبل و اسطوره گل کاشتنت در دروازه خودی، آقای تحلیل‌های فرامردن و سوالات چند مجهولی، کسی که قبلاً روحانی بوده و حالا مشاور روحانی است! یک چهره آشنا، آقای حامدالین ناشناس! شخصیتی که شناخته نشد، زیرا از زمان خودش سبقت غیرمجاز گرفت. همان کسی که با هر تولیت، یک پیچ تاریخی را رقم می‌زند و استاد روابط بین‌الملل از نوع جدید (یعنی علم ربط دادن تمام امور عالم به یکدیگر) است.

تندیس سنبل را به او می‌دهیم اما آیا بین دادن این سنبل به آن مرد آشنا و افزایش آمار سرطان شقیقه ارتباطی وجود دارد؟ این سؤالی است که تنها خودشان قادر به پاسخ دادنش هستند. خواهشیم با رسم شکل توضیح دهند!

طرح: محمود محمدنوری جوان

سبزه
 خودش گفت من درختم. اما ما، هم‌قد سبزه می‌بینیمش! حالا زود است تا درخت شود، گو از سبزه تا درخت! منظورمان آقای «چشم اسفندیار» مشایی است که تندیس سبزه سال ۹۵ را از آن خود کرده‌اند! به واسطه استفاده بهینه از روز درختکاری و به خاطر نسبت فامیلی که با «بهار» دارند و به دلیل هزاران دلیل دیگر (به اندازه تمام ساعت‌های طولانی سخنرانی‌هایشان!) ایشان حازر تندیس سبزه از دستن مبارک ما می‌شوند.

این مهندس درخت ما باید بداند که هیچ سبزه‌ای بیشتر از سبزه به در عمر نمی‌کند و آن وقت می‌سپارندش به آب روان و می‌شود معضلی برای محیط‌زیست! پس تا وقت هست بهتر است لباس سبزش را در بیاورد و برود جایی که ریشه دارد! آن وقت شاید یک تندیس «بچه خوب» با کارت صدآفرین هم بهش دادیم!

سنجد
 تندیس سنجد سال ۹۵ می‌رسد به مردی که عزم خود را لب فرو بیند و هیچ کاری نکند؛ یعنی دکتر محمدرضا عارف، سرلیستی که تملیست‌ها از او سبقت گرفتند! حالا اینکه ایشان چه ارتباطی دارد با سنجد، توضیحش کمی پیچیده است. اما شما رک و راست با ایشان تا کنید چون بسته نگه داشتن دهان‌های آدم‌ها از بالا تا پایین کار سختی است و اراده می‌خواهد. ما هم کمکی که از دستمان بر می‌آید همین بود که با تندیس از ایشان تقدیر کنیم و در ادامه وظیفه خطیر سکوت بهشان روحیه بدهیم. الان ایشان در مقام «سکوتگوی» جبهه اصلاحات کار سختی دارند انصافاً و فشار این همه کاری که نمی‌کنند خیلی روی دوششان سنگینی می‌کند.

ساعت
 تندیس ساعت سال ۹۵ تقدیم می‌شود به رئیس دولت یازدهم، دکتر حسن روحانی. گذشته از اینکه ایشان انسانی وقت‌شناس و به عبارت خارجی‌تر «آن‌تایم» هستند، تندیس ساعت برانده‌شان است چون در حال حاضر ایشان کسی است که بیش از هر کس چشمش به ساعت و دقیقه‌هاست و زمان برایش از همه سریع‌تر می‌گذرد. ساعت‌های آخر دولتش انگار عجله دارند که زودتر سر برسند و اصلاً به حجم کارهای باقی مانده و وعده‌های انتخاباتی توجه نمی‌کنند! ولی گذشته از این حرف‌ها آقای رئیس‌جمهور از رسیدن سال نو خوشحال هستند چون اساساً از چیز نو خوششان می‌آید!

سنجد
 اما شما رک و راست با ایشان تا کنید چون بسته نگه داشتن دهان‌های آدم‌ها از بالا تا پایین کار سختی است و اراده می‌خواهد. ما هم کمکی که از دستمان بر می‌آید همین بود که با تندیس از ایشان تقدیر کنیم و در ادامه وظیفه خطیر سکوت بهشان روحیه بدهیم. الان ایشان در مقام «سکوتگوی» جبهه اصلاحات کار سختی دارند انصافاً و فشار این همه کاری که نمی‌کنند خیلی روی دوششان سنگینی می‌کند.

و باز هم اما... تازه گرم شدیم و تندیس دادن دارد بهمان می‌چسبد! بنا براین بعد از هفت‌سین و اجزای سفره عید، می‌خواهیم برویم سراغ بقیه متعلقات عید نوروز! بنا داریم تندیس هر چیزی را که به عید مربوط می‌شود بسازیم و اهدا کنیم. خدا را چه دیدید؟ شاید کارسان گرفت و تندیس‌ساز حرف‌های شدیم...

مهمان ناخوانده

تندیس مهمان ناخوانده (که از اجزای لایفک هر عید نوروزی است!) تقدیم می‌شود به استاد دکتر پروفسور مدیر جهان آقای محمود احمدی‌نژاد. البته از حق نگذریم ایشان رقابت نگذاشتی با حمید بقایی‌شان داشتند اما ناخواندگی دکتر محمود با انصافاً حرکت غیرمنتظره دکتر احمدی‌نژاد در رفتن به مهمانی در روز درختکاری آن هم درست در زمانی که بقایی داشت مشابهی را می‌گاشت(!) شایسته تندیس است، چون دکتر آقای نپود حمایت‌کننده خدا داشت در می‌شد گفت یک سری به دوستان بزنم که ناغافل دید دارند فیلم و عکس تبلیغاتی می‌گیرند و دیگه توی رودریاییست با آن‌ها همراه شد. وگرنه هیچ برنامه‌ریزی در کار نبود به جان اسفندیار!

حاجی فیروز

تندیس حاجی فیروز را می‌دهیم به یک هنرمند. چون حاجی فیروز هم یک شخصیت هنری است برای خودش! شب عید سر هر چهارراهی می‌رویم مشاهده می‌کنیم که هنر در کم‌حاجی فیروز فراوان است و او نمی‌داند که کجا بریزد. باری، تندیس حاجی فیروز اهدا می‌شود به هنرمند عزیز آقای اصغر فرهادی به پاس یک عمر سیاه‌مانی به نحوی که روی حاجی فیروز را هم سفید کرده است! از ایشان خواهش می‌کنیم نماینده خود را بفرستد که جایزه‌اش را تقدیم کنیم، چون به منظور سنگین‌تر شدن کارنامه هنری فرهادی، ایشان را به آبادی خودمان ممنوع‌الورود کرده‌ایم!

عیدی

تندیس عیدی سال تعلق می‌گیرد به بایک رزجانی، ماجرا از این قرار است که یک روز بایک ادعا می‌کند که به یکی از کاندیدا‌های ریاست‌جمهوری کمک مالی کرده است. بعد آن کاندیدا تذکیر می‌کند. کمی بعد مسئول ستاد آن کاندیدا می‌گوید: «حالا ممکن است کسی در یک جایی گوش رزجانی را بریده باشد به اسم ما!» پس قضیه بیخ پیدا می‌کند. اینجاست که می‌گویند قصد بدی در کار نبوده و بایک رزجانی که کاندیدی مربوطه عیدی داده است! در نتیجه ما هم تندیس بهترین عیدی سال را می‌دهیم به بایک و دوستان.

سبزی پلو با ماهی

همانطور که از اسمش پیدا است، تندیس سبزی‌پلو با ماهی شب عید متشکل از سه تندیس است که تعلق می‌گیرد به آقایان حجت‌الله ایوبی، مسعود فراستی و بهروز افخمی! در اینکه کدام تندیس متعلق به کدام شخص باشد اختلاف است اما عجالتاً تندیس «سبزی» برای فرامستی مناسب‌تر است چون نقش متمایز کنند در غذا دارد و عنصری است که پلوی ساده را تبدیل به غذایی می‌کند که خاص می‌شود.

تندیس «پلو» مناسب افخمی است که فعلاً در همه جا برایش مهمانی است و پلوخوری!

و در نهایت تندیس «ماهی» به درد ایوبی می‌خورد که شب عیدی عیشش را عزا کردند؛ مثل همان ماهی که اینجا حکم مرغ عزا و عروسی را دارد!

تندیس حاجی فیروز به اصغر فرهادی رسید

بازگشت هیجان به راه‌آهن!

سبزه‌به‌در

بله، تندیس سبزه به در هم داریم و با اینکه هنوز زود است اما کی به کی است؟ همین حالا آن اهدا می‌کنیم به سرکار خاتم معصومه ابتکار، بالاخره تندیس روز طبیعت را به کس دیگری که نمی‌توانستیم بدهیم، تندیس دیگری هم به درد خاتم ابتکار نمی‌خورد. خب مثلاً به کی بدهیم این را؟ علی‌کریمی خوب است؟ ربطی ندارد که عادل فردوسی‌پور خوب است؟ آن است اما اینکه خودش استاد بی‌ربط‌شناسی است اما نمی‌گنجد. این شد که تندیس را دادیم به خاتم ابتکار. بالاخره اینکه مردم روز ۱۳ فروردین به دامان طبیعت می‌روند به نوعی تجلیل از حوزه‌کاری ایشان است. حالفدرنداند. چند سال دیگر که سبزه‌هم به جای روز طبیعت، شد روز تاریخ طبیعت حسرتش را می‌خورید!

مسافرت عید

تندیس مسافرت عید اهدا می‌شود به جناب آقای دکتر آخوندی که صاحب کمالات بی‌شمار از جمله پایکوبی پیش پای ایرباس و سه بار کسب رای اعتماد از مجلس، یکی از یکی بالاتر هستند تا جایی که شیخ مصطفی‌کواکبیان پس از بار آخر، هر چیزی را جلوش می‌گذارند امضا کرده و اذعان می‌کنند: ما به آخوندی رای دادیم، این که چیزی نیست! اما تندیس به ایشان به این دلیل اهدا شد که در سال ۹۵ موفق شدند هیجان و آدرنالین‌درمانی را (که قبلاً منحصر در سفرهای هواپی بود و یک قشر خاص از آن بهره‌مند می‌شدند) به سفرهای زمینی و راه‌مان هم تعمیم دهند! خسته نباشید واقعا.

و تندیس برای کدخدا

می‌توانیم همینطور تا آخر سال ۹۶ به تندیس دادن ادامه دهیم. چون ما شالا هزار ما شالا شخصیت تندیس‌خور کم نذاریم! تندیس سازی‌مان هم الان روی غلنک افتاده و تندیس شیر مرغ تا جان آدمیزاد را می‌یواند با بهترین کیفیت و گواهی اییزو ۹۰۰۲ تولید کند. اما ملاحظه شما خوانندگان و بقیه اهالی روزنامه را می‌کنیم و همین جا فیتله را می‌کشیم پایین تا پایمان در گلیم خودمان جا بگیرد! اما قبل از خداحفاظی اجازه بدهید آخرین تندیس را هم اهدا کنیم، تندیس ربوبوسی عید تقدیم می‌شود به: «خودمان»! بله، همین شخص شخیص خودمان یعنی «کدخدا»-کدخدای وسط‌آباد. کسی که ۳۴ شماره روزنامه اخبار ولایات محروسه وسط‌آباد را گرداند و با همه مشکلات و فراز و نشیب‌ها ساخت تا مثل یک همچو شنی که شب عید است خنده روی لب‌های شما خوانندگان روزنامه‌چپ بیند!

تندیس ربوبوسی عید را اهدا می‌کنیم به خودمان و روی ما همان را از طرف شما می‌پوسیم که مراتب تشکر و قدردانی‌تان را به خودمان ابلاغ کرده باشیم!

سایر مقامات و مسئولینی که علاقه‌مند به کدخدا باشند هم می‌توانند با وقت قبلی جهت دست‌پوسی شرفیاب شوند. ما هم قول می‌دهیم کسی که بیاید در خانه ما را بزند بی‌نصیب نگذاریم!